

تبیین مفهوم اقتصاد دانش محور و اقتصاد خلاق در هزاره سوم

حسن اشتری^۱، حافظ مهدنژاد^۲

^۱ دانشجوی دکتری آینده پژوهی دانشگاه تهران، Hasan_ashtari@yahoo.com

^۲ دانش آموخته دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه تهران، h.mahdnejad@gmail.com

چکیده - در هزاره سوم دانش و خلاقیت به مهمترین مولفه های راهبر حوزه های مختلف و بخصوص اقتصاد تبدیل شده اند. بر همین اساس، مقاله حاضر با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی در جست و جوی تبیین مفهوم اقتصاد خلاق و اقتصاد دانش محور است. یافته های تحقیق نشان دهنده آن است که در حقیقت برندگان رقابت در بازارهای جهانی متعلق به نهادها و شرکت هایی است که به دانش و خلاقیت روزافزون مجهز هستند. اقتصاد دانش محور تجلی غالب و معاصر سرمایه داری است که بوسیله تولید، توزیع و مصرف دانش راهبری می گردد. ریچارد فلوریدا اقتصاد دانش محور را بر حسب «خلاقیت» تعریف نموده است. در این دیدگاه طبقه خلاق طلایه داران مرحله ای جدید در سرمایه داری هستند؛ طبقه خلاق کسانی هستند که عملکرد اقتصادی اصلی آنها آفرینش ایده های نوین، فناوری جدید و محتوای خلاقانه بدیع می باشد.

کلید واژه- خلاقیت، دانش، اقتصاد دانش محور، اقتصاد خلاق.

۱- مقدمه

در دهه های اخیر، جهان به طور شتابان به سمت نظم اطلاعات جهانی حرکت کرده و بواسطه رشد فناوری و اقتصاد دانش شکل گرفته است (Castells, 2000; Slabbert, 2006; Metaxiotis et al., 2010). در هزاره سوم، دانش و خلاقیت جایگزین منابع طبیعی و کارایی نیروی کار فیزیکی به عنوان منبع ایجاد ثروت و رشد اقتصادی شده اند و سرمایه انسانی یا خلاق به عمده ترین عوامل مؤثر بر تولید تبدیل شده اند. به گفته پائول رابرت «عمده ترین عامل رشد، مشتمل بر یکپارچگی در اقتصادی نیست که حاوی تعداد زیادی از افراد باشد، بلکه یکپارچگی در اقتصادی است که دربرگیرنده میزان بسیار بالایی از سرمایه انسانی و خلاق است» (به نقل از مشکینی و همکاران، ۱۳۹۳). به تبع این وضعیت، مفهوم اقتصاد خلاق و دانش محور بخصوص طی ۱۵ سال اخیر به موضوع جذابی برای سیاست گذاران و دانشگاهیان تبدیل شده است (Comunian & Faggian, 2011:3). در عصر دانش اقتصادهای دانش محور، شکوفایی و رشد را از طریق توسعه نقاط قوت رقابتی در بخش های دانش و فناوری مبنا انتقال می دهند (Yigitcanlar, 2011:53).

در مجموع، در طول دو دهه گذشته شاهد ظهور و تکرار دستور کارهای سیاست عمومی و پژوهشی در کل جهان هستیم که بر خلاقیت به عنوان یک ابزار جدید و قدرتمند برای تحریک نوسازی اقتصادی، طراحی و برنامه ریزی متمرکز شده است. بخصوص مفهوم اقتصاد خلاق پیشنهاد می کند که افراد با استعداد کلید رشد اقتصادی هستند و شهرهای غنی از لحاظ تنوع، طراحی و میراث قادر اند شرایط اجتماعی و کالبدی برای توانمندسازی کارآفرینان محلی و تشویق صادرات جهانی در خصوص فناوری ها و ایده های نوآور به وجود آورند. سیاست گذاران و سیاست سازان عمومی و برنامه ریزان این استراتژی های اقتصاد خلاق برای آفرینش منابع جدید اشتغال و بهبود سطح درآمد بوسیله تقویت نمودن محدوده های هنری و فرهنگی و مکان های خوشه های خلاق را پذیرفته اند. همچنین بر تقویت زیرساخت های اساسی منابع فکری، تنوع اجتماعی و واسطه های فرهنگی؛ نه تنها به عنوان شیوه بهبود سرزندگی و رقابت پذیری اقتصادی در بین شهرها بلکه به عنوان شیوه تقویت انسجام اجتماعی و هویت شهروندان متمرکز شده اند (Zamudio and Barar, 2013:40). بر همین اساس هدف مقاله حاضر تبیین مفهوم اقتصادهای دانش محور و خلاق به عنوان شیوه های مسلط اقتصاد نوین می باشد؛ در واقع مقاله حاضر به سیاست گذاران و سیاست سازان و برنامه ریزان یادآوری می کند که نباید از سرمایه های خلاق و اندیشمند و همینطور دارایی های ناملموس برای رشد و توسعه اقتصادی غفلت کرد. بخصوص اقتصاد خلاق کاملاً با اقتصاد دانش محور منطبق است چرا که هیچگاه مشمول تحریم ها نخواهد شد و بر ظرفیت ها و توانمندی های درونی از جمله استعدادهای درخشان و خلاق، صنایع بومی بخصوص هنرهای دستی، ظرفیت ها و پتانسیل های تمدن کهن و گردشگری متکی می باشد.

۲- روش تهیه مقاله

روش پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی است و هدف از آن تبیین مفهوم اقتصاد خلاق و دانش محور در اقتصاد هزاره سوم می باشد. در این راستا سعی شده است که از منابع لاتین معتبر مفهوم و ارکان مفاهیم مذکور و اهمیت آنها برای اقتصاد استخراج گردد. عمده ترین متغیرهای تحقیق حاضر مشتمل بر نقش دانش در اقتصاد، مفهوم و ارکان اقتصاد دانش محور، مفهوم اقتصاد خلاق و نسبت های آن از جمله صنایع خلاق^۱، شهرهای خلاق^۲، محدوده ها یا برزن های فرهنگی^۳، خوشه های خلاق^۴ و طبقه خلاق^۵ می باشد. بر همین مبنا عمده ترین سوالان پژوهش حاضر عبارتند از:

- اقتصاد دانش محور چه جایگاهی در اقتصاد هزاره سوم دارد و مهمترین ارکان آن کدامند؟
- اقتصاد خلاق چیست و دارای چه نسبت ها و مفاهیمی است؟

۳- نقش دانش در اقتصاد

در طول چند دهه گذشته، تعدادی از اندیشمندان و شارحان استدلال کرده اند که لبه پیشرو اقتصاد در کشورهای در حال توسعه بوسیله فناوری های مبتنی بر تولید و انتشار دانش و اطلاعات راهبری شده است. این فناوری های نوین (که در اواخر دهه ۱۹۵۰ نمایان شده اند، با تکثیر رایانه های شخصی گسترش یافته اند و پس از آن بواسطه استفاده گسترده از ایمیل و اینترنتبه طور چشمگیری افزایش یافته اند) پتانسیل زیادی برای بازسازی ماهیت کار و اقتصاد دارند (Powell & Snellman, 2004:199). اقتصاد دانش محور به عنوان تولید و خدمات مبتنی بر فعالیت های دانش مبنا تعریف شده که به سرعت شتابان پیشرفت های علمی و فناورانه کمک می کنند. مولفه های کلیدی اقتصاد دانش مشتمل بر اتکای بیشتر به دارایی های عقلایی نسبت به ورودی های فیزیکی یا منابع طبیعی به موازات تلاش برای یکپارچه نمودن پیشرفت ها در هر مرحله ای از فرآیند تولید (از آزمایشگاه های تحقیق و توسعه، کف کارخانه ها و ارایه به مشتریان) هستند. این تغییرات در سهم نسبتاً روزافزون تولید ناخالص داخلی منعکس می شود که مربوط به سرمایه «ناملموس» می باشد (Powell & Snellman, 2004:201; Abramovitz & David 1996). به باور استوارت^۶ (۱۹۹۹) دارایی های دانایی های محور مشتمل بر «دارایی ها یا مود خام دانایی همان دانش، اطلاعات، امکانات دانایی محور، تجارب کاری، سوابق و نام های تجاری و در کل هر آن چیز است که می تواند در جهت ایجاد سرمایه و کسب درآمد و سود مورد استفاده قرار گیرد». مالهورتا^۷ (۲۰۰۰) نیز این مفهوم را به این صورت تعریف نموده است: «سرمایه های ناملموس شامل اطلاعات ساختار یافته، دانش، ایده ها و نظرات جدید، نوآوری ها و خلاقیت در سازمان می باشد». بوسیوت^۸ در سال ۱۹۹۸ تعبیر جالبی برای دارایی های پنهان^۹ ارائه نموده است که نقش آن را به روشنی در اقتصاد بیان می نماید: «در اقتصاد انرژی محور دانش و اطلاعات نقش مهمی ایفا می کنند اما

^۱Creative industries

^۲Creative cities

^۳Cultural quarters

^۴Creative clusters

^۵Creative class

^۶Stewart

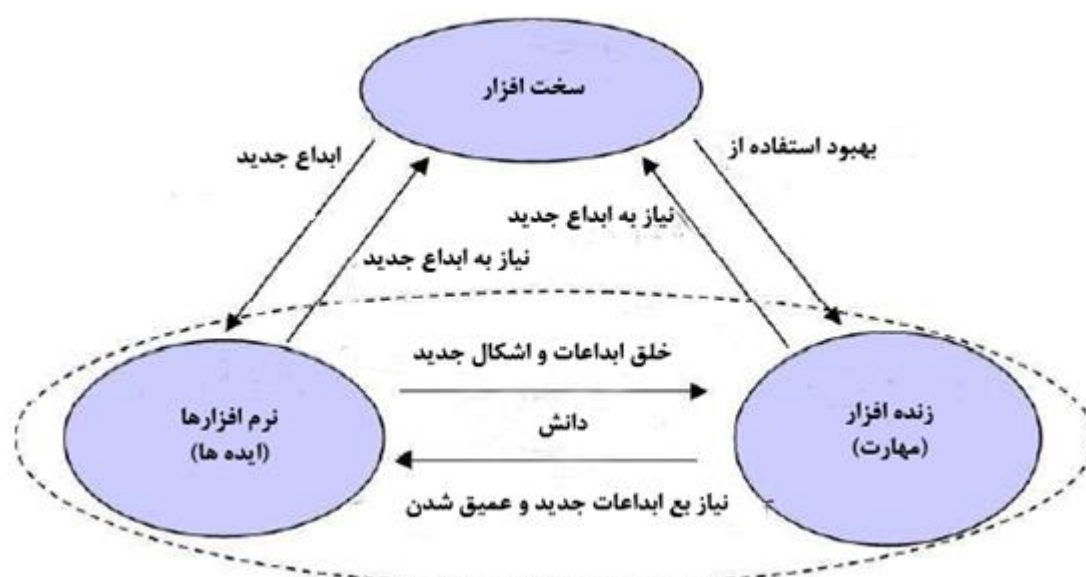
^۷Yogesh Malhortka 2000

^۸Boisot

^۹Invisible assets

این نقش در واقع یکنوع پشتیبانی است و به طور مستقیم در تراکش^{۱۰} تبدیل یک کالا به شکل نهائی دخالت نمی کند. عملکرد اطلاعات به این صورت است که اجزاء تراکش را در جهت تغییر و نزدیک شدن به شکل مطلوب و مورد نیاز مشتری هدایت و توصیف می نماید. به واقع آن خودش یک جزء اساسی از تغییر است» (اشتری و پرهیز، ۱۳۹۴).

در تحلیل نقش دانش در اقتصاد، باید درک کنیم که انواع مختلف دانش در چه شیوه ای با همدیگر تعامل دارند و همچنین چگونه آنها به اقتصاد اشاره دارند. در نظریه های جدید رشد، دانش نه به فناوری محدود شده و نه به فاکتورهای بیرونی. بر عکس، دانش به ایده ها و مهارت های جدید در فناوری و همچنین زمینه های اجتماعی، حقوقی، سیاسی و مدیریتی پاسخ می دهد. شکل شماره ۱ با استفاده از واژه شناسی نلسون و رومر^{۱۱} (۱۹۹۶) نشان می دهد چگونه دانش می تواند به عنوان یک مقوله درونزا بوسیله نشان دادن برخی ارتباطات بین اشیاء و انواع مختلف دانش درک شود (Pedersen, 2008: 17).



شکل شماره ۱: تعاملات بین دانش (نرم افزار و زیست افزار) و اشیاء (سخت افزار) در نظریه های رشد اقتصادی جدید

Source: Pedersen, 2008: 18

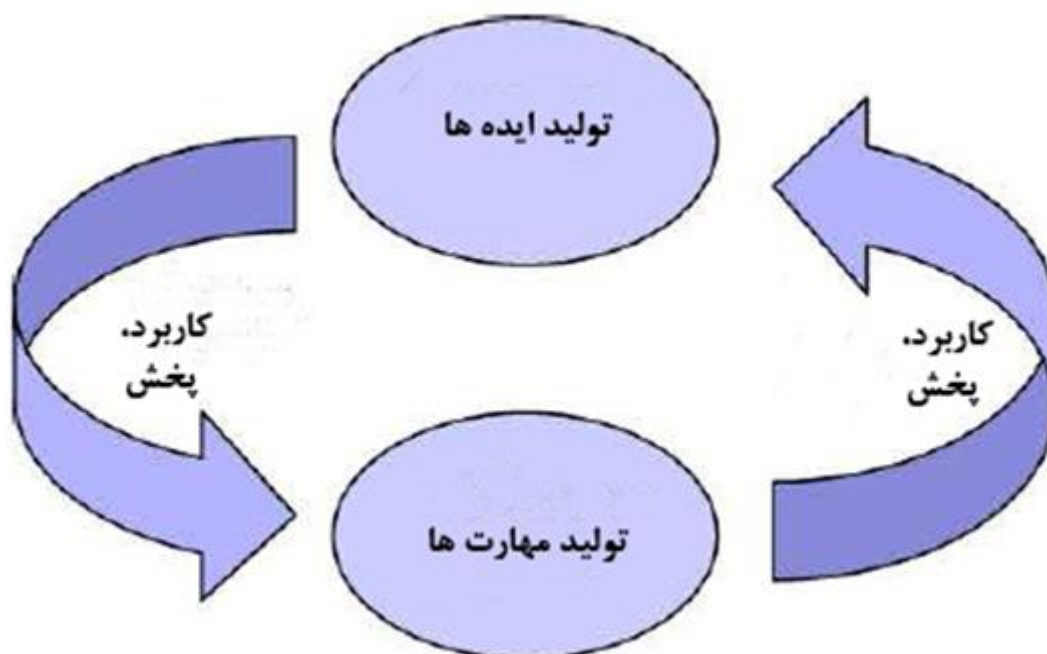
خاطر نشان می شود بین ایده ها و مهارت ها وابستگی متقابلی وجود دارد. بدون مهارت ها، ایده ها بی ربط هستند و بدون ایده ها، نیازی به مهارت های جدید و پیشرفته وجود ندارد. همان طوری که کنکیکو و هیتور^{۱۲} (۲۰۰۱) تاکید کرده اند «پل از تولید ایده ها به استفاده از ایده ها بوسیله تولید مهارت های جدید ایجاد شده است». استفاده روزافزون از ایده از طریق انتشار به ظهور مهارت های جدید برای بکارگیری ایده منجر خواهد شد. همچنین ایده های جدیدی را پرورش خواهد داد که هدف آنها بهبود و گسترش ایده

¹⁰Transaction

¹¹Nelson & Romer

¹²Conceição & Heitor

اصیل است که این موضوع دوباره موجب نیاز به مهارت های توسعه یافته تر می گردد. این امر به ایجاد چرخه خود تقویت کننده^{۱۳} منتهی می شود که باعث انباشت دانش می گردد (شکل شماره ۲) (Pedersen, 2008:17).



شکل شماره ۲: چرخه یادگیری خود تقویت کننده که به انباشت دانش منتهی می گردد.

Source: Pedersen, 2008:18

۴- مفهوم و ارکان اقتصاد دانش محور

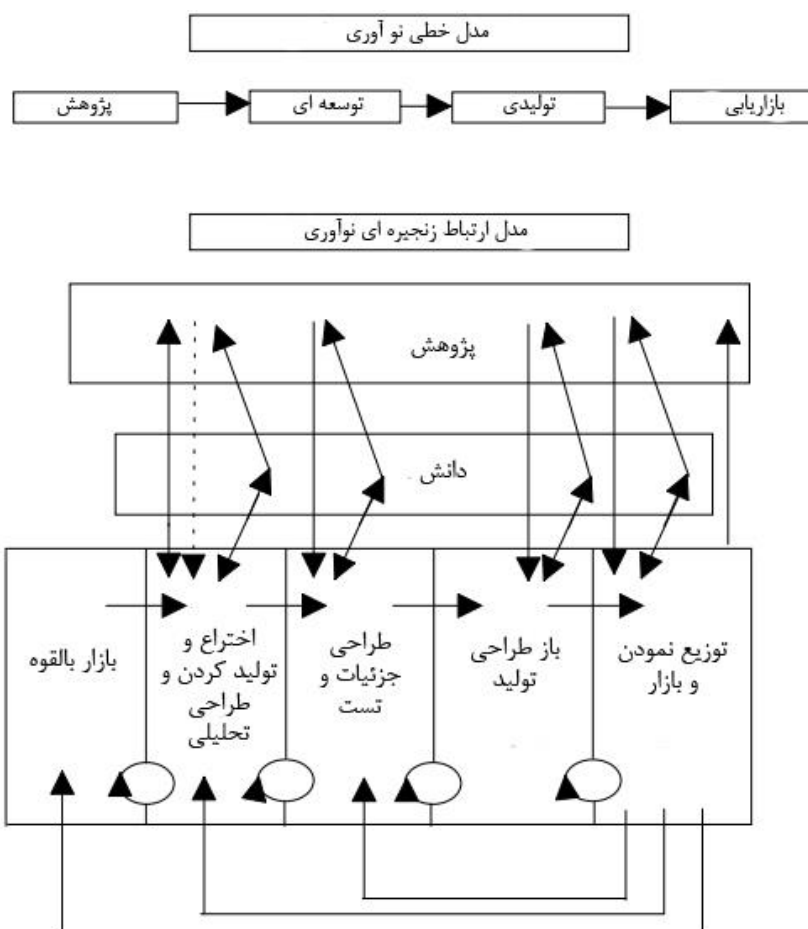
اقتصاد جهانی از اقتصاد صنعتی به اقتصاد دانش تغییر یافته است؛ به این معنا که مزیت رقابتی سازمان ها بر مبنای توانایی بهره برداری از منابع دانش استوار شده است. اهمیت روزافزون دانش به عنوان یک منبع اقتصادی از دیدگاه های مختلف بررسی شده و به دلالت های نسبتاً مختلفی منجر شده است، و هر یک از آنها بر جنبه های خاصی از این پدیده تاکید نموده اند. از جمله این جنبه ها می توان به «جامعه دانشی»، «جامعه اطلاعاتی»، «اقتصاد اطلاعاتی»، «جامعه یادگیری»، «اقتصاد یادگیری»، «اقتصاد ناملموس» و «اقتصاد خلاق» اشاره نمود (Gorji & Alipourian, 2011:45). اقتصاد دانش محور اهمیت زیادی به انتشار و استفاده از اطلاعات و همچنین دانش و ایجاد آن داده است. عوامل موثر بر موفقیت شرکت ها و اقتصادهای ملی به عنوان یک کل، بیش از هر زمان دیگری به

¹³Self-reinforcing cycle

کارآمدی آنها در جمع آوری و استفاده از دانش متکی است. دانش و شایستگی راهبردی به طور متقابلی توسعه یافته اند و در چارچوب زیرگروه ها و شبکه ها به اشتراک گذاشته می شوند. اقتصاد به سلسله مراتبی از شبکه ها تبدیل می شود که بوسیله شتاب نرخ تغییرات و نرخ یادگیری راهبری می شوند. آنچه ایجاد می شود، جامعه شبکه ای نام دارد که در آن توانایی برای دسترسی و پیوستن به روابط فشرده دانش و یادگیری، جایگاه اجتماعی و اقتصادی افراد و شرکت ها را تعیین می کند (David & Foray, 1995).

اقتصاد دانش محور به فاکتور اصلی مزیت رقابتی عصر حاضر تبدیل شده است. گذار به اقتصاد دانش محور درباره افزایش مقیاس دانش به عنوان عامل تولید می باشد. دانش یک فاکتور جدید تولید نیست، اما اهمیت نسبی دانش نسبت به زمین، کار و سرمایه، به طور اساسی در طول چند دهه گذشته افزایش یافته است (Gorji & Alipourian, 2011:45). در واقع اقتصادهای مدرن از استفاده فشرده از منابع خام به استفاده فشرده از دانش تغییر جهت داده است. اقتصاد دانش محور بر اساس تولید، توزیع و استفاده از دانش و اطلاعات تعریف شده است. در این مدل اقتصادی، مردم و ایده ها و آفرینش های آنها نسبت به مکانیزاسیون برای افزایش رقابت پذیری فعالیت های تولید از اهمیت بیشتری برخوردار هستند. به سخن بهتر، دانش به عنوان راهبر تغییرات اقتصادی منتهی به فرآیندهای توسعه اقتصادی دیده می شود (Serra, 2015:9). مشخصه شبکه ای اقتصاد دانش بنیان با تغییر «مدل خطی نوآوری»^{۱۴} نمایان شده است (شکل شماره ۳). نظریه سنتی بر این باور است که نوآوری فرایندی از کشف است که از طریق توالی خطی و ثابت مراحل دنبال می شود. در این دیدگاه، نوآوری با تحقیقات علمی جدید آغاز می گردد، به طور متوالی از راه مراحل توسعه محصول، تولید و بازاریابی پیشرفت می کند و با فروش موفقیت آمیز محصولات، فرآیندها و خدمات جدید پایان می یابد. هم اکنون مشخص شده است که ایده های نوآوری را می توان از بسیاری از منابع از جمله قابلیت های تولیدی جدید و شناخت نیازهای بازار استخراج نمود. نوآوری می تواند شکل های زیادی مشتمل بر پیشرفت تدریجی محصولات موجود، برنامه های کاربردی فناوری برای بازارهای جدید و استفاده از فناوری جدید جهت خدمت به بازارهای موجود داشته باشد و این روند کاملا خطی نیست. نوآوری به ارتباطات قابل توجهی میان بازیگران مختلف (شرکت ها، آزمایشگاه ها، موسسات دانشگاهی و مصرف کنندگان) و همچنین بازخوردهای بین علوم، مهندسی، توسعه کالا و تولید و بازاریابی نیاز دارد (Pedersen, 2008:14).

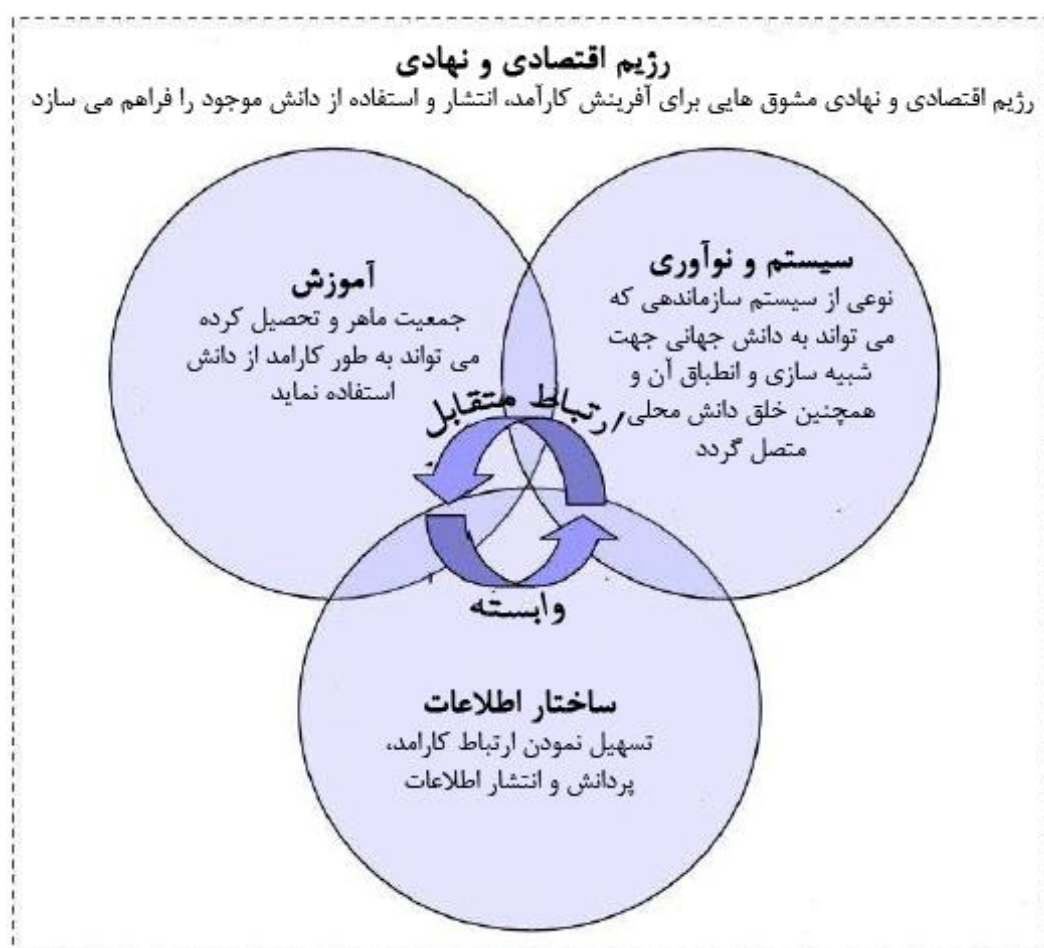
¹⁴Linear model of innovation



شکل شماره ۳: مدل های نوآوری

Source: OECD, 1996:15

به طور کلی چهار رکن اساسی برای اقتصاد دانش محور معرفی شده است که عبارتند از: (۱) «رژیم های نهادی و انگیزشی اقتصادی سالم» که بسته های تشویقی برای استفاده کارآمد از دانش جدید و موجود و شکوفایی کارآفرینی فراهم می سازد. (۲) «جمعیت خلاق و تحصیل کرده» که می تواند دانش ایجاد کند، به اشتراک بگذارد و به خوبی از آن استفاده کند. (۳) «ساختار اطلاعاتی پویا» که می تواند ارتباط کارآمد، انتشار و پردازش اطلاعات را تسهیل کند. (۴) «سیستم نوآوری کارآمد شرکت ها، مراکز تحقیقاتی، دانشگاه ها، اتاق های فکر و سایر سازمان ها» که می توانند به حجم عظیم دانش در حال رشد جهانی دسترسی پیدا کنند، آن را با نیازهای محلی شبیه سازی و انطباق دهند و فناوری های جدیدی را ایجاد کنند (Pedersen, 2008:14). شکل شماره ۴ به طور کامل محتوای هر یک از ارکان اقتصاد دانش محور را نشان داده است.



شکل شماره ۴: ارکان چهار گانه اقتصاد دانش محور

Source: Pedersen, 2008:15

۵- مفهوم اقتصاد خلاق و نسبت های آن

خلاقیت، نوآوری و دانش به پیشران های اصلی توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مکانی شده اند. در این زمینه مفاهیم متعددی از جمله صنایع خلاق، شهرهای خلاق، محدوده ها یا برزن های فرهنگی، خوشه های خلاقو طبقه خلاقنمایان شده اند (Selada et al., 2011:79). خلاقیت به عنوان توانایی به وجود آوردن چیزی جدید(خواه یک موضوع هنری یا شکلی باشد)، ارایه راه حلی برای مشکلات، آفرینش روش و اختراع تعریف شده است. ایجاد یک اثر هنری، از ترکیب جدید المان هایی به دست می آید که از قبل وجود

داشته است. این مفهوم در صورتی که برای تولید صنایع دستی کاربرد داشته باشد، شامل شکل گیری مجدد از المان هایی مانند میراث فرهنگی، سنت، مهارت ها و مواد اولیه خواهد بود که از قبل موجود بوده است. خلاقیت به عنوان ابزاری برای نوآوری و رشد اقتصادی توسط دانشگاهیان، صاحبان کسب و کارها و دولت ها در حال ترویج می باشد. در حال حاضر کالج های مدیریتی خلاقیت را به عنوان یک واحد درسی در برنامه های منظم معرفی می نمایند و تحقیقات گسترده ای در خصوص این موضوع انجام گرفته است (United Nation, 2007:13). به تعبیر دیگر می توان گفت خلاقیت پدیده پیچیده با ابعاد مختلف است و هیچ تعریف ساده ای وجود ندارد که معنی دقیق آن را پوشش دهد. تعریف خلاقیت از نظر روانشناسی عبارت است از «فرآیند تولیدی چیزی که هم اصیل و هم ارزشمند می باشد» (Costa & Correia, 2014:8). صنایع خلاق به طور روزافزونی به مولفه های ارزشمندی در اقتصادهای دانش محور پسا صنعتی مدرن¹⁵ تبدیل شده اند. تصور می شود آنها بالاتر از میانگین رشد و ایجاد شغل عمل نموده اند و همچنین حامل های هویت فرهنگی هستند که نقش مهمی در پرورش تنوع فرهنگی ایفا می کنند. در طول دهه گذشته، شماری از دولت های سراسر جهان این واقعیت را درک نموده اند و شروع به توسعه سیاست گذاری های خاصی برای ترویج این صنایع کرده اند. این جریان به حجم فزاینده ای از تحلیل، آمار و ترسیم نقشه تجربیات در خصوص رابطه بین فرهنگ، صنایع خلاق و توسعه اقتصادی منجر شده است؛ با هدف اینکه به سازمان های این کشورها داده های خامی داده شود که برای سیاست گذاری لازم دارند. با وجود این، بخش مذکور به طور ضعیفی درک شده و لازم است بسیاری از دولت ها در خصوص پتانسیل های آن متقاعد گردند (Dervojeda et al, 2013:20).

نگرش صنایع خلاق مبتنی بر خوشه هایی است که به پژوهش آلفرد مارشال¹⁶ (۱۹۱۹) در خصوص محدوده های صنعتی در اواخر سده نوزدهم بر می گردد؛ چنانچه توسط پژوهشگران دیگر از جمله بگناسکو¹⁷ (۱۹۷۷)، بکاتینی¹⁸ (۱۹۹۰)، و پورتر¹⁹ (۱۹۹۸) پیگیری شده است. این مدل بر صنایع خلاق به عنوان مولد نوآوری و توسعه مکانی متمرکز می گردد و نقش شرکت ها و سیستم های شرکت ها و موسسات مالی تاکید دارد (Selada et al., 2011:81). اصطلاح صنایع خلاق به طور جدی در اواسط دهه ۱۹۹۰ مطرح گردید و اولین بار در سطح ملی توسط دولت بریتانیا به کار گرفته شد. چنانچه حوزه گسترده ای مشتمل بر تبلیغات، معماری، بازار هنر و عتیقه جات، صنایع دستی، طراحی، طراحان مد، فیلم و ویدئو، نرم افزارهای تعاملی در زمان فراغت، موسیقی، هنرهای نمایشی، تازه های نشر، خدمات کامپیوتری و نرم افزاری، تلویزیون و رادیو و غیره را در بر می گیرد (BOP Consulting, 2010:15-16). صنایع خلاق به «آن دسته از صنایع اطلاق می شود که منشاء آنها برگرفته از استعداد، مهارت و خلاقیت های فردی می باشد و از طریق ایجاد و بهره برداری از دارایی های فکری و عقلایی، پتانسیل بالایی در ایجاد شغل و ثروت را دارند» (DCMS, 2016:3). همینطور «گزارش سبز در خصوص رمزگشایی پتانسیل صنایع فرهنگی و خلاق»²⁰ (۲۰۱۰)، صنایع خلاق را به عنوان آن دسته از کالاها و خدمات در حال تولید و توزیع تعریف نموده که دارای هدف، کاربرد و ویژگی خاصی باشد. افزون بر این، صنایع خلاق آنهایی هستند که از فرهنگ به عنوان

¹⁵Modern post- industrial knowledge- based economies

¹⁶Alfred Marshal

¹⁷Bagnasco

¹⁸Becattini

¹⁹Porter

²⁰Green Paper on Unlocking the Potential of Culture and Creative Industries

ورودی^{۲۱} استفاده می کنند و دارای بعد فرهنگی هستند، گرچه خروجی^{۲۲} آنها عمدتاً عملکردی است. در حقیقت آنها معماری، طراحی و تبلیغات را با هم ترکیب می سازند. از دیدگاه آنکتاد (۲۰۰۸ و ۲۰۱۰)، صنایع خلاق مشتمل بر مجموعه ای از صنایع دانش محور هستند که کالاهای عینی و خدمات هنری و فکری غیرعینی را با محتوای خلاقانه، اهداف بازاری و ارزش اقتصادی تولید می کنند. صنایع خلاق در تقاطع هنر، فرهنگ، تجارت و فناوری قرار گرفته اند (اشتری و مهدنژاد، ۱۳۹۳: ۵۴). صنایع خلاق متشکل از صنایع مرتبط با آفرینش، تولید یا توزیع کالاها و خدمات خلاق و همچنین یکپارچه سازی المان های خلاقانه با فرآیندهای گسترده تر و سایر بخش های می باشد. گاهی اوقات صنایع خلاق به صنایع فرهنگی نیز اطلاق می شوند، اما این دو نه مترادف هم اند و نه با همدیگر قابل مبادله هستند. به اعتقاد سازمان فرهنگی، علمی و آموزشی ملل متحد یا یونسکو^{۲۳} «صنایع فرهنگی به صناعی اطلاق می شود که آفرینش، تولید و تجاری سازی محتوای خلاقانه را با هم ترکیب می سازند که ماهیتا فرهنگی و ناملموس هستند». به طور معمول محتویات توسط کپی رایت محافظت می شوند و می توانند به شکل یک کالا یا خدمات پنداشته شوند. به طور کلی صنایع فرهنگی شامل چاپ، نشر و چندرسانه ای، تولیدات سمعی و بصری، عکاسی و سینمایی و همچنین صنایع دستی و طراحی می باشد. اصطلاح صنایع خلاق طیف گسترده تری از فعالیت ها را پوشش می دهد که شامل صنایع فرهنگی و همچنین تولیدات هنری یا فرهنگی است، چنان چه به عنوان یک واحد فردی و منحصر به فرد تولید شده یا زنده باشد (Dervojeda et al, 2013: 13).

به اعتقاد کنفرانس سازمان ملل در خصوص توسعه و تجارت (آنکتاد)^{۲۴} (۲۰۰۸) اقتصاد خلاق یک مفهوم در حال شکوفا و مبتنی بر دارایی های خلاق است که پتانسیل ایجاد رشد و توسعه اقتصادی دارند:

- اقتصاد خلاق می تواند ایجاد درآمد و شغل و درآمدهای صادراتی را به بار آورد، در حالی که دربرگیرندگی اجتماعی، تنوع فرهنگی و توسعه انسانی را ترویج می دهد.
- شامل آن دسته از جنبه های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی می شود که با فناوری، دارایی های فکری و اهداف گردشگری تعامل دارند.
- اقتصاد خلاق، مجموعه ای از فعالیت های اقتصادی دانش محور با بعد توسعه و پیوندهای عرضی در سطوح خرد و کلان با کل اقتصاد است.
- همچنین یک گزینه توسعه عملی برای نوآوری، واکنش های سیاست گذاری چند رشته ای^{۲۵} و اقدامات بین وزارتی^{۲۶} می باشد.
- در قلب و کانون اقتصاد خلاق، صنایع خلاق قرار دارند (CNSLC, 2012: 5-6).

از دیدگاه هاوکینز^{۲۷}، دوره فراصنعتی و اقتصاد خلاق، گذر از ایده ها و اظهار خلاقیت به تولیدات ارزشمند تجاری است. اقتصاد خلاق به وسیله مجموعه ای از صنایع که تولید کننده و داد و ستد کننده دارایی های فکری هستند، مثل صنایع کپی رایت، صنایع انحصاری،

²¹Input

²²Output

²³United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization (UNESCO)

²⁴United Nations Conference on Trade and Development (UNCTAD)

²⁵Multidisciplinary policy responses

²⁶Inter-ministerial action

صنایع دارای علامت تجاری و صنایع طراحی تعریف می شوند. صنایع خلاق شامل تحقیق و توسعه، نشر، نرم افزار، تلویزیون، طراحی، موسیقی، فیلم، اسباب بازی ها و بازی ها، تبلیغات، معماری، هنرهای تجسمی، مشاغل، بازی های ویدیویی، مد و هنر می باشد. همچنین پیشنهاد می کند که راه جدیدی برای رشد صنایع این نوع اقتصاد لازم است؛ چرا که برخلاف نظریه اقتصاد مدرن با منابع محدود و قیمت رقابتی، اقتصاد خلاق بر منابع نامحدود ایده ها متکی می باشد. مدل هاوکینز برای واکنش های خلاق به این تغییر بر خصیصه های انسانی ایده ها، استعداد و یادگیری بیش از تمرکز سنتی بر داده ها و سرمایه ها برای موفقیت اقتصادی استوار است (قربانی و همکاران، ۱۳۹۲:۴). بخش های اقتصاد خلاق از قبیل موسیقی، رسانه جدید، طراحی، نمایش و بیان ادبی به طور روزافزونی در چارچوب اقتصادهای شهری اهمیت روزافزونی پیدا کرده اند (Landry, 2010:4).

از نظر منطق رویکردهای «فرهنگ گرا» برای نوسازی شهری، سه مبحث اصلی وجود دارد. نخست، به نظر می رسد چنین رویکردهایی به تنوع اقتصادی، ایجاد اشتغال، خلاقیت و نوآوری روزافزون منجر گردد؛ علاوه بر اینکه صنایع فرهنگی به احتمال زیاد نیروهای با مهارت بالا و با دستمزد بالا را به کار می گیرند. دوم، چنین رویکردهایی می توانند به «بازاریابی مکان» از طریق بهبود تصویر کمک کنند. سوم، آنها می توانند انسجام اجتماعی روزافزون و بهبود کیفیت زندگی را ترویج دهند. به عنوان نتیجه، خوشه های فرهنگی فضایی در بسیاری از شهرها تشویق شده است، و برزن های فرهنگی طراحی شده اند، جایی که حجم عظیمی از فعالیت های فرهنگی محور به عنوان ارایه مبنایی برای نتایج قابل پیشبینی توسعه پایدار دیده می شود. وانسبورگ و مگین^{۲۸} (۲۰۰۰) بیان داشته اند برزن فرهنگی به عنوان یک منطقه مشخص و محدود از لحاظ مکانی تعریف می گردد که شامل تمرکز بالایی از امکانات فرهنگی در مقایسه با مناطق دیگر می باشد؛ گرچه چنین منطقه هایی ممکن است شامل کاربری هایی از جمله مناطق بازی کودکان، کتابخانه ها، فضاهای باز و مکان های غیررسمی گذران اوقات فراغت گردند. طراحی چنین برزن های فرهنگی، تمرکز بیشتر کاربری های فرهنگی را تشویق می نماید، و ممکن است به طور گسترده ای به کاربری های مصرفی از قبیل گردشگری و سرگرمی، کاربری های تولیدی و یا ترکیبی از این دو متمایل شود. به طور کلی در خصوص شرایط اساسی در ارتباط با محدوده ها یا برزن های فرهنگی مجادله های جدی وجود دارد. به طور مثال، وانسبورگ و مگین (۲۰۰۰) پیشنهاد نموده اند که ویژگی های کلیدی چنین برزن هایی تا حدودی مربوط به فاکتورهای فیزیکی محور^{۲۹} نظیر مرکزیت در شهر و میزان بالای کاربری های ترکیبی می باشد. همچنین مونت گومری^{۳۰} (۲۰۰۳) بر مشخصه های کالبدی برزن های فرهنگی بالقوه به همراه سایر جنبه ها نظیر کمک به هویت محلی تاکید نموده است (McCarthy, 2005:1-2).

جدول شماره ۱: جایگاه ویژگی های محدوده های فرهنگی

فعالیت	
	• تنوع کاربری های اراضی اولیه و ثانویه؛
	• وسعت و تنوع رویدادها و حوزه های فرهنگی؛
	• وجود اقتصاد عصرانه از جمله فرهنگ کافه؛
	• قدرت اقتصادی شرکت های کوچک، از جمله کسب و کار خلاق؛

²⁷John Howkins

²⁸Wansborough&Mageean

²⁹Physically-oriented factors

³⁰Montgomery

<ul style="list-style-type: none"> • دسترسی به ارائه دهندگان آموزش. 	
<ul style="list-style-type: none"> • مورفولوژی شهری ریز دانه؛ • تنوع و انطباق پذیری موجودی ساختمان ها؛ • نفوذپذیری خیابان ها؛ • خوانایی؛ • مقدار و کیفیت فضاهای عمومی؛ • نماهای بیرونی فعال. 	فرم کالبدی
<ul style="list-style-type: none"> • فضاهای اجتماع و نشست های با ارزش؛ • حس تاریخ و پیشرفت؛ • تصویر و هویت منطقه ای؛ • توانایی دانش؛ • قدردانی طراحی و سبک. 	معنی

Source: Montgomery, 2003:295

در ادبیات بین المللی به رسمیت شناخته شده که به طور مستمر خلاقیت بوسیله انباشت و تمرکز شرکت ها و موسسات مشخص می گردد، چنان چه صنایع خلاق به صورت همگن و یکنواخت در قلمروها توزیع نمی شوند، بلکه آنها در فضا به شکل متمرکز عینیت می یابند. در حقیقت، صنایع خلاق گرایش دارند به صورت خوشه ای در شهرها رخساره نمایند و در شکل مجموعه زیادی از حرفه ها و بخش های اقتصادی تجمع می یابند. با وجود این فرآیند خوشه ای شدن صنایع خلاق و همچنین دلایل تمرکز و انباشت آنها در محیط های شهری و مادر شهری مشخص نیست و در اینجا یک سوال پژوهشی مرتبط نمایان می شود: چرا صنایع خلاق خوشه ای می شوند؟ در ادبیات نظری پنج فرضیه به عنوان عوامل تعیین کننده خوشه ای شدن صنایع خلاق مطرح شده است: موقوفات فرهنگی تاریخی و نزدیکی به قدرت سیاسی، اقتصادهای انباشت، تنوع مرتبط، تمرکز سرمایه انسانی و طبقه خلاق فلوریدا (Lazzeretti et al., 2009:1). خوشه های خلاق اغلب از طریق ایجاد محدوده های دانش بر مبنای ایده خوشه بندی در خط مقدم استراتژی های بازاریابی و بازساخت شهری هستند. مهمترین تعریف در خصوص خوشه های خلاق در جغرافیای اقتصادی به پورتر (۱۹۹۸) بر می گردد: «تمرکز و انباشت جغرافیایی شرکت های در هم تنیده، کارپردازان تخصصی، ارائه دهندگان خدمات، نهادها و موسسات مرتبط در صنایع مربوطه». تحقیقات در موضوع خوشه بندی نشان می دهد که خوشه ای شدن دارای شماری از منافع و مزایا از قبیل کمک مثبت به خلاقیت، بهره وری بالاتر، تشکیل شرکت ها و موسسات جدید، رشد، سودآوری، رشد اشتغال، نوآوری و رقابت پذیری روزافزون برای موسسات و مناطق می باشد (Durmaz et al, 2010:200). از جمله مهمترین خوشه های دانش بنیان و خلاقیت می توان بهخوشه سیلیکون والی^{۳۱} در کالیفرنیا، کریدور ابر چند رسانه ای مالزی، بنگلور^{۳۲} در هند، کریدور فناوری برتر فلوریدا^{۳۳}، کریدور علم و

³¹Silicon Vally³²Bangalore³³Florida High Tech corridor

فناوری اهایو^{۳۴} کریدور فناوری تلفورد^{۳۵} و ام چهار^{۳۶} در انگستان، نیو برونسویک^{۳۷} در ایرلند، هیسنچائو در تایوان^{۳۸}، اینکھون^{۳۹} در کره یا اس اس پی^{۴۰} در سنگاپور اشاره نمود (اشتری و پرهیز، ۱۳۹۴:۵۵).

به اعتقاد فلوریدا، طبقه خلاق به دو گروه از مردم تقسیم می شود. گروه اول متشکل از «هسته فوق العاده خلاق» است که مشتمل بر طیف وسیعی از جمله دانشمندان، مهندسان، استادان دانشگاهی، شاعران، رمان نویسان، هنرمندان، بازیگران، هنرپیشه ها، طراحان و معماران، نویسندگان آثار غیر داستانی، ویراستاران، شخصیت های فرهنگی، گروه مشاوران، پژوهشگران، تحلیلگران و سایر نخبگان است. گروه دوم شامل حرفه های خلاق است که در طیف وسیعی از صنایع دانش محور نظیر بخش های مدرن، خدمات مالی، خدمات بهداشتی و حقوقی و مدیریت تجاری کار می کنند. فلوریدا اظهار داشته است که گروه اول اشکال یا طراحی های جدیدی را پدید می آورد که به سرعت قابل انتقال و بی نهایت مفیدند، در حالی که گروه دومی در حل کردن مسائل خلاق درگیر هستند (اشتری و مهندزاد، ۱۳۹۱:۴۲). تیناگلی و همکاران^{۴۱} (۲۰۰۷) چنین به تعریف طبقه خلاق پرداخته اند «درصد نیروی کاری که در انواع حرفه های خلاق و مفهومی مدیران، دانشمندان، معماران، مهندسان، هنرمندان و کارآفرینان مشغول هستند» (Nuur and Laestadius, 2009:6).

³⁴Technology and science Ohio corridor

³⁵TelfordTechnology corridor

³⁶M 4

³⁷New Brunswick

³⁸Hsinchu science -based industrial park Taiwan

³⁹Incheon

⁴⁰SSP (Singapore Science Park, Singapore)

⁴¹Tinagli et al.



شکل شماره ۵: چارچوب مدل کسب و کارهای خلاق

Source: BOP Consulting, 2010:41

۶- نتیجه گیری

جهانی سازی، افزایش دانش کدبندی شده، افزایش تحلیل اطلاعات، ذخیره سازی و انتقال، توسعه و گسترش فناوری های نوین، دیجیتال و همه جا گستر، ارتقای مهارت های لازم برای عملیاتی نمودن ایده ها، افزایش اختراعات و ابداعات، تشدید رقابت پذیری در سطح جهانی و رشد سرانه ناخالص داخلی، زمینه های گسترش بنیان های اقتصاد مبتنی بر دانش و خلاقیت را فراهم نموده اند. مهمترین بستر مورد نیاز برای موفقیت اقتصاد خلاق و دانش بنیان، شکل گیری و تقویت زیرساخت های دانش و خلاقیت در اجتماعات و جوامع می باشد. در اقتصاد دانش محور، دانش و علم و فناوری به عنوان محرک اصلی رشد، توسعه و پیشرفت شناخته می شوند. افزون بر این اندیشمندان و صاحب نظران بر اهمیت صنایع خلاق به عنوان خالق و زاینده شغل، ثروت و درآمد صحت گذاشته اند. چنان چه به گفته هاوکینز، اقتصاد خلاق، اقتصادی است که در آن ورودی ها و خروجی های اصلی، ایده ها هستند. در این اقتصاد، اکثریت مردم بیشتر وقتشان را صرف پیدا کردن ایده و پرورش آن می کنند، و به ظرفیت های خود برای داشتن ایده می اندیشند.

مولفه های خلاقیت در عصر حاضر نقش پررنگی در توسعه شهرها ایفا می نمایند و به تقویت بنیان های اقتصادی شهرها کمک قابل توجهی می کنند. به همین دلیل اقتصاد خلاق به یک موضوع مهم در پژوهش های اقتصادی از دهه ۱۹۹۰ پس از انتشار گزارش های «سند نقشه صنایع خلاق» توسط دپارتمان فرهنگ، رسانه ها و ورزش (۱۹۹۷ و ۲۰۰۱) و موفقیت کتاب فلوریدا تحت عنوان «ظهور طبقه خلاق» (۲۰۰۲) تبدیل شده است. بنا بر آنچه گفته شد صنایع خلاق، طبقه خلاق و عینیت جغرافیایی آنها یعنی شهرهای خلاق به بخش مهمی از اقتصاد هزاره سوم تبدیل شده اند؛ چنان چه به حق هزاره سوم را هزاره خلاقیت می نامند. افزون بر این سهم این

بخش در تولید ناخالص ملی کشورها رو به تزاید است. از این رو توجه جدی دستگاه های اجرایی و شرکت ها در کشور در زمینه سیاست گذاری، برنامه ریزی و فعالیت روزافزون به این بخش اقتصاد ضرورت دارد. چرا که کشور و بخصوص کلانشهرها در زمینه صنایع خلاق از جمله گردشگری، میراث، آثار هنری و اختراعات و ابداعات و ... پتانسیل های بالا و در خور سرمایه گذاری و ارزش افزوده چشمگیر دارند. از طرف دیگر حوزه دانش محوری و خلاقیت یکی از مباحث مهم در افق ۱۴۰۴ است. سند چشم انداز بیست ساله کشور، اهداف و راهبردهای بلندمدت کشور برای توسعه را به نمایش می گذارد. بند ۳ این سند به طور ضمنی راهبرد اصلی توسعه کشور را «توسعه دانش بنیان» قرار داده است. به طوری که با پیگیری این راهبرد اقتصاد ایران باید در سال ۱۴۰۴ به یک اقتصاد دانش بنیان تبدیل شود. بند ۷ سند یاد شده حکایت از آن دارد که ایران در راه رسیدن به «اقتصاد دانش بنیان» باید با کشورهای آسیای جنوب غربی (شامل آسیای غربی و قفقاز) رقابت نماید و در مدت ۲۰ سال از آنها پیشی گیرد. در واقع این سند یک مسابقه سرعت در مسیر رسیدن به اقتصاد دانش بنیان را بین کشورهای آسیای غربی و قفقاز به نمایش می گذارد که هدف ایران کسب مقام اولی در آن است. این مسیر مسابقه را می توان توسعه دانش بنیان نامید. به نظر می رسد ضرورت دارد در سند حاضر مشخصه خلاقیت به عنوان یک برگ برنده جهت رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده را پررنگ کرد. افزون بر این در عصر حاضر، خلاقیت به یک پدیده شهری تبدیل شده است، و مشخصا به صورت خوشه ای در شهرهای بزرگ و مادرشهرها متمرکز می یابد.

(۷) مراجع

- اشتری، حسن؛ پرهیز، فریاد، (۱۳۹۴)، شهر دانش محور، زیر نظر اداره کل مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران، انتشارات تیسرا، چاپ اول، تهران.
- اشتری، حسن؛ مهدنژاد، حافظ، (۱۳۹۳)، شهر خلاق، طبقه خلاق (نیمرخ شهر -۱۰)، اداره کل مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران، انتشارات تیسرا، چاپ دوم، تهران.
- قربانی، رسول؛ حسین آبادی، سعید؛ طورانی، علی، (۱۳۹۲)، شهرهای خلاق، رویکردی فرهنگی در توسعه شهری، مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، سال سوم، شماره ۱۸، صص ۱-۱۸.
- مشکینی، ابوالفضل؛ حاتم نژاد، حسین؛ مهدنژاد، حافظ؛ پرهیز، فریاد، (۱۳۹۳)، شهر خلاق الگویی نوین برای توسعه دانش بنیان در حوزه مدیریت شهری، تهران، انتشارات آزاد.
- Abramovitz M, David PA, (1996), Technological change and the rise of intangible investments. The U.S. economy's growth-path in the twentieth century. In Employment and Growth in the Knowledge-Based Economy, pp. 35-60. Paris: OECD*
- BOP Consulting, (2010), Mapping the Creative industries: a toolkit, Creative and Cultural Economy series / 2, British Council 2010 Creative Economy Unit.*
- Castells, M, (2000), End of the Millennium: The information age economy, society and culture. Oxford: Blackwell.*
- Comunian, Roberta; Faggian, Alessandra, (2011), Higher Education and the Creative City, Learning and Teaching Enhancement Unit, University of Southampton, United Kingdom.*
- Correia, Carlos Miguel; Costa, José da Silva, (2014), Measuring Creativity in the EU Member States, estigaciones Regionales, 30 (2014) – Páginas 7 a 26 Sección Artículos.*
- David, P. and D. Foray, (1995), "Accessing and Expanding the Science and Technology Knowledge Base", STI Review, No. 16, OECD, Paris.*
- Department for Culture, Media and Sport (DCMS), (2016), Creative Industries Economic Estimates, January 2016.*
- Dervojeda, Kristina; Nagtegaal, Fabian; Lengton, Mark; Datta, Peyoush; Netherlands, PwC, (2013), Creative industries Analysis of industry-specific framework conditions relevant for the development of world-class clusters, European Union, September 2013.*
- Durmaz, Bahar; Platt, Stephen; Yigitcanlar, Tan, (2010), Creativity, culture tourism and place-making: Istanbul and London film industries, International Journal of Culture, Tourism and Hospitality Research, Vol. 4 No. 3 2010, pp. 198-213.*
- Gorji, Ebrahim; Alipourian, Masoomeh, (2011), The Knowledge Economy & the Knowledge Assessment Methodology (The case study of Iran & Some other Countries), Iranian Economic Review, Vol.15, No.29, Spring 2011.*
- labbert, N, (2006), The future of urbanization: how tele-technology is shaping a new urban order. Harvard International Review, accessed on 7 Dec 2007 from <http://hir.harvard.edu/articles/1437>.*
- Landry, Charles, (2010), Creativity, Culture & the City: A question of interconnection, Ministry of Family, Children, Youth, Culture and Sport of the State of North Rhine-Westphalia.*

- Lazzeretti, Luciana; Boix, Rafael; Capone, Francesco, (2009), *Why do creative industries cluster? An analysis of the determinants of clustering of creative industries*, Paper to be presented at the Summer Conference 2009 on CBS - Copenhagen Business School, SolbjergPlads 3.
- McCarthy, John, (2003), *Making spaces for creativity: designating 'cultural quarters'*, 41st ISoCaRP Congress 2005, School of Town and Regional Planning University of Dundee.
- Metaxiotis, K., Carrillo, J. and Yigitcanlar, T., (Eds.), (2010), *Knowledgebased development of cities and societies: an integrated multilevel approach*. Hersey: IGI Global.
- Montgomery, John, (2003), *Cultural Quarters as Mechanisms for Urban Regeneration. Part 1: Conceptualising Cultural Quarters*, *Planning, Practice & Research*, Vol. 18, No. 4, pp. 293–306, November 2003.
- Nuur, Cali; Laestadius, Staffan, (2009), *Is the 'Creative Class' Necessarily Urban? Putting the Creativity Thesis in the Context of Non-urbanised Regions in Industrialised Nations*, *The European Journal of Spatial Development* is published by Nordregio, Nordic Centre for Spatial Development and OTB Research Institute, Delft University of Technology.
- Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD), (1996), *The knowledge-based economy*, Paris 1996.
- Pedersen, Louise Friis, (2008), *On the Road to the Knowledge Economy, An analysis of the case of Mozambique in the Introduction of Knowledge and Skills as a foundation for Economic Growth, Development and International Relations*, Aalborg University.
- Powell, Walter W; Snellman, Kaisa, (2004), *The knowledge economy*, *Annu. Rev. Sociol.* 2004. 30:199–220 doi: 10.1146/annurev.soc.29.010202.100037, First published online as a Review in Advance on February 20, 2004.
- Selada, Catarina; da Cunha, Inês Vilhena; Tomaz, Elisabete, (2011), *Creative-based strategies in small cities: A case-study approach*, *Catarina Selada; Inês Vilhena da Cunha; Elisabete Tomaz, REDIGE v. 2, n. 02, Aug. 2011.*
- Serra, D.S, (2015), *Determinants of the Concentration of Creative Industries in Europe: A Comparison Between Spain, Italy, France, United Kingdom and Germany, Portugal*, Ph in Applied Economics, Faculty of Economics and Business Studies, Autonomous University of Barcelona.
- The Creative Nova Scotia Leadership Council*, (2012), *Creative Economy Literature Review*, In partnership with Nova Scotia Department of Communities, Culture and Heritage, February 14, 2012.
- United Nation, (2007), *Creative Industries and Micro & Small Scale Enterprise Development, A Contribution to Poverty Alleviation*, United Nations Industrial Development Organization.
- Yigitcanlar, Tan, (2011), *Knowledge-based urban development processes of an emerging knowledge city: Brisbane, Australia*, *ITU A/Z VOL: 8, NO:1, 53-67, 2011-1.*
- Zamudio, Raul Marino; Barar, Flavia, (2013), *Looking for the Creative City: Urban Development Through Education and Cultural Strategies in Medellin, Colombia*, *The idea of creative city/The urban policy debate | Cracow 17 -18 October 2013.*